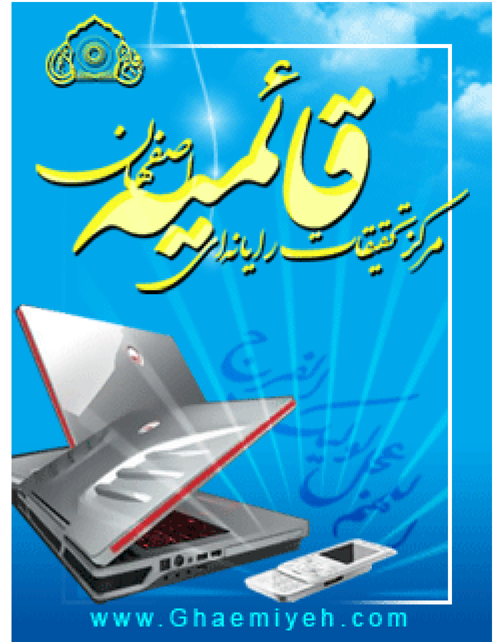
دانستنیهای علمی پیرامون

قاعدگی در قرآن روایات و پزشکی



مهدی آقا بابایی



مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان
www.Ghaemiyeh.com

مشخصات كتاب

سرشناسه:مركز تحقيقات رايانه اي قائميه اصفهان،1391
عنوان و نام پديدآور:دانستني‌هاي علمي پيرامون قاعدگي در قرآن، روايات و پزشكي/ مهدي آقابابايي.
مشخصات نشر ديجيتالي:اصفهان:مركز تحقيقات رايانه اي قائميه اصفهان، ۱۳91.
مشخصات ظاهري:نرم افزار تلفن همراه و رايانه
موضوع:پزشكي - قرآني

چكيده

يكي از مسائل مهمي كه در زندگي زنان نقش مهمي دارد و اگر آن مسأله براي آنها به وجود نيايد افرادي مريض به حساب مي‌آيند مسأله‌ي قاعدگي و رگل مي‌باشد كه در هر ماه زنان و دختران به آن مبتلا مي‌شوند. در اين مقاله بحث از اين مسأله مهم و حياتي زنان شده و زيان‌هاي آميزشي آن براي كساني كه در اين دوره نزديكي نمايند كه از قرآن و پزشكي مباحثي را ارائه نموده‌ايم.

مقدمه

در قرآن واژه‌ي يسئلونك بسيار آمده است و اين واژه هر كدام پيرامون موضوع‌هاي مهمي مي‌باشد كه خداوند با پيامبرش در ميان نهاده است.
مثلاً مي‌فرمايد:
«يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحيضِ، يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ، يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ و ...» اي رسول خدا از تو درباره‌ي شراب و قمار مي‌پرسند، بگو:
آن دو گناه بزرگ و سودهايي براي مردم دارد و گناهشان از سودشان بيشتر است.
اين مقاله پيرامون يكي از احكام زنان به نام حيض، رگل و يا قاعدگيست و آثار نزديكي كردن در اين زمان كه هر فرقه‌اي براي خود عقيده‌اي دارد را بيان مي‌فرمايد مثلاً يك فرقه مي‌گويد در اين زماني كه زن مريض است اصلاً نبايد سراغ زن رفت حتي نبايد با او هم غذا شد و فرقه‌ي ديگري مي‌گويد:
بايد با زن هم غذا و هم حرف و حتي نزديكي هم نمود و همه چيز را در اين زمان حلال مي‌داند ولي مسلمانان به پيروي از دين مقدس اسلام راه اعتدال و ميانه روي را پيش گرفته‌اند و در اين زمان با زنان هم غذا، هم حرف و حتي در بستر هم با هم مي‌خوابند ولي نزديكي نمي‌نمايند. كه همان دخول باشد كه در اين زمان بر زنان حرام مي‌باشد كه اگر كسي در اين زمان با زنش مجامعت نمايد بايد كفاره بپردازد كه به احكام آن در آخر مقاله مي‌پردازيم.

قاعدگي زنان از ديدگاه قرآن

اشاره

وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحيضِ قُلْ هُوَ أَذيً فَاعْتَزِلُوا النِّساءَ فِي الْمَحيضِ وَ لا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّي يَطْهُرْنَ فَإِذا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرين. (1)

ترجمه: و از تو، در باره خون حيض سؤال مي‌كنند، بگو:

«چيز زيانبار و آلوده‌اي است؛ از اين رو در حالت قاعدگي، از آنان كناره گيري كنيد و با آنها نزديكي ننمايد، تا پاك شوند و هنگامي كه پاك شدند، از طريقي كه خدا به شما فرمان داده، با آنها آميزش كنيد! خداوند، توبه كنندگان را دوست دارد و پاكان را (نيز) دوست دارد.

نكات ادبي آيه

1 «محيض» مصدر ميمي از حاض يحيض حيضاً به معناي خون غليظيست كه از زنها در ايام عادت ماهانه بيرون مي‌آيد و اصل حيض در لغت به معناي سيلان و جريان است.
توجه كنيم كه در آيه كلمه «محيض» دو بار تكرار شده كه اولي مصدر ميميست و دومي اسم زمان است و علت تكرار هم همين است.
در معجم مقاييس اللغه، آمده است كه اين واژه، در اصل به معني خارج شدن آب قرمز از درختيست به نام سمره، (سپس به عادت ماهيانه زنان اطلاق شده است) ولي در تفسير فخر رازي آمده كه حيض در اصل به معني سيل است و لذا هنگامي كه سيل جريان پيدا كند، گفته مي‌شود حاض السيل و حوض را نيز به همين مناسبت حوض مي‌گويند كه آب به سوي آن جريان پيدا مي‌كند؛ ولي از گفته راغب در مفردات عكس اين استفاده مي‌شود كه اين واژه در اصل به معني همان خون عادت است (سپس به معاني ديگر اطلاق شده).
كلمه (محيض) مانند كلمه (حيض) مصدر (حاضت الْمَرْأَة - تحيض) است و معنايش جريان خون معروفيست كه صفات مخصوصي دارد و زنان حائض آن صفات را مي‌شناسند و چون اين مصدر مختص زنان است لذا اسم فاعل آن را مذكر هم مي‌آورند و مي‌گويند زن حائض، همچنانكه مي‌گويند زن حامل.
2 «اذي» به معناي رنج و آزار است چون زن در حال حيض در زحمت و آزار است و كلمه (اذي) – به طوري كه گفته‌اند - به معناي ضرر است، ليكن اين حرف قابل خدشه است، چون اگر اذيت ضرر بود، بايد صحيح باشد در مقابل نفع استعمال شود، همانطور كه كلمه ضرر در مقابل كلمه نفع استعمال مي‌شود و معلوم است كه هيچ وقت به جاي دواي مضر نمي‌گوييم:
دواي موذي، چون موذي يك معناي ديگري غير مضر را افاده مي‌كند و به همين جهت است كه خداي تعالي فرموده:
(لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلاَّ أَذيً).
و اگر فرموده بود:
(لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلاَّ ضررا) كلام فاسد مي‌شد و نيز اگر كلمه (اذيت) را به معناي ضرر بگيريم آنگاه در امثال آيه: (إِنَّ الَّذينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ) و آيه: (لِمَ تُؤْذُونَني وَ قَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ)
دچار اشكال مي‌شويم چون در اين گونه آيات كلمه (اذيت) ظهوري در معناي ضرر ندارد، پس ظاهر اينست كه كلمه (اذي) به معناي هر

عارضه‌اي باشد براي چيزي كه ملايم با طبع آن نباشد، كه اين معنا به وجهي منطبق با معناي ضرر نيز هست و اين كه محيض را اذي خوانده، به همان معناييست كه گفتيم، چون خون حيض كه به عادت زنان مربوط است، از عمل خاصي حاصل مي‌شود كه طبيعت زن در مزاج خون طبيعي زن انجام مي‌دهد و مقداري از خون طبيعي او را فاسد و از حال طبيعي خارج نموده و به داخل رحم مي‌فرستد، تا بدين وسيله رحم را پاك كند و يا اگر جنين در آن باشد، با آن خون جنين را غذا دهد و يا اگر بچه به دنيا آمده ماده اصلي براي ساختن شير جهت كودك را آماده سازد.
و بنا بر آن تفسيري كه كلمه (اذي) را به معناي ضرر گرفتند، محيض را هم به معناي جمع شدن با زنان در حال حيض گرفته و در معناي آيه گفته‌اند:
از تو مي‌پرسند آيا در چنين حالي جايز است با زنان جمع شد؟ جواب داده شده اين عمل ضرر است و درست هم هست چون پزشكان گفته‌اند:
طبيعت زن در حال حيض سرگرم پاك كردن رحم و آماده كردن آن براي حامله شدن است و جماع در اين حال نظام اين عمل را مختل مي‌سازد و به نتيجه اين عمل طبيعي يعني به حمل (و به رحم زن) صدمه مي‌زند. (2)
3 «اعتزال» كناره گيري و در اينجا كناره گيري از همبستر شدن.
4 «يطهرن» مضارع از طهر يطهر طهراً به معناي پاكيست و در اينجا به معناي قطع شدن خون حيض است و اگر «يطهّرن» با تشديد خوانده شود به معناي غسل كردن است.
جمله يطهرن به گفته بسياري از مفسران به معني پاك شدن زنان از خون حيض است و اما جمله فاذا تطهرن را بسياري به معني غسل كردن گرفته‌اند، بنا بر اين طبق جمله اول، به هنگام پاك شدن از خون، آميزش جنسي جايز است هر چند غسل نكرده باشد و طبق جمله دوم، تا غسل نكند جايز نيست.

و يسئلونك عن المحيض ...: پرسش ديگري كه از سوي برخي از مسلمانان مطرح شده بود، پاسخ داده مي‌شود. پرسش درباره‌ي حيض و احكام آن است و پاسخي كه داده مي‌شود شامل بيان يكي از آثار طبيعي حيض و حكم خاص آن است.

مي‌دانيم كه حيض خون غليظيست كه از زنها در ايام عادت ماهانه دفع مي‌شود و از نظر فقهاء شيعه كمترين مدت آن سه روز و بيشترين مدت آن ده روز است و اگر كمتر يا بيشتر باشد به آن استحاضه گفته مي‌شود كه حكمش با حكم حيض فرق دارد و خون حيض و استحاضه غير از خون نفاس است كه از زنها در حال زايمان دفع مي‌شود.

در پاسخ به سؤال از حيض، چنين اظهار مي‌دارد كه حيض حالتيست كه زن در آن حالت دچار ناراحتي و آزار و رنج است و بنا بر اين در اين حالت بايد آنها را به حال خود رها كرد و از همبستر شدن با آنها دوري نمود. اين كه مي‌فرمايد:

از زنها در حال حيض كناره گيري كنيد و به آنها نزديك نشويد منظور همان پرهيز از همبستر شدن است به قرينه اين كه بلافاصله مي‌فرمايد:

وقتي پاك شدند از همانجا كه خدا فرمان داده در آييد يعني با آنها همبستر شويد.

اين حكم اسلامي حد وسط ميان يهود و نصاريست يهوديها و همچنين اعراب جاهلي در حال حيض به كلي از زنها فاصله مي‌گرفتند و با آنها غذا نمي‌خورند و در يك اتاق نمي‌خوابيدند و هر گونه تماسي را با آنها قطع مي‌كردند و مانند يك مريض جذامي محل خواب و ظرفهاي آنها را جدا مي‌كردند.

در مقابل آنها نصاري هيچ عكس العملي نشان نمي‌دادند و حتي در حال حيض با زنها همبستر مي‌شدند. اين افراط و تفريطها به ضرر زنها بود كار يهود توهين به زنها و كار نصاري اذيت كردن به آنها بود.

اسلام حد وسط را برگزيد و تنها همبستر شدن با زنها را ممنوع كرد كه در حال حيض هم موجب رنج و اذيت زنها و هم باعث كثيف شدن خود آنها مي‌شد و از اين گذشته رحم زن در حال حيض نوعي شستشو مي‌شود و با دفع خونهاي كثيف، آماده براي حاملگي مي‌شود و همبستر شدن در اين حال علاوه بر كثافت ظاهري ممكن است به كارهاي طبيعي رحم و فعاليت‌هاي آن آسيب برساند و موجب بيماري زن شود.

اين حكم تا وقتي ادامه دارد كه زنها پاك شوند ولي بايد ديد كه منظور از پاك شدن آنها چيست؟

آيا منظور قطع خون حيض است يا منظور انجام غسل حيض است؟
اگر كلمه «يطّهّرن» را بدون تشديد بخوانيم همانگونه كه در قرائت معمول قرآن آمده است، منظور از آن قطع خون حيض است و چون خون قطع شد اگر چه غسل نكرده باشد ممنوعيت برداشته مي‌شود ولي اگر اين كلمه را «يطّهّرن» با تشديد بخوانيم، منظور انجام غسل است و تا غسل حيض را انجام نداده ممنوعيت باقيست و اين قرائتها هر دو متواتر است و لذا ميان فقهاء در اين مسأله اختلاف نظر وجود دارد ولي به نظر مي‌رسد كه وجه دوم موافق با احتياط است و ضمناً در جمله بعدي آيه آمده است:
«فاذا تطهرن» كه جواز همبستر شدن را به «تطهر»
يعني همان غسل كردن تعليق نموده است.
پس از حصول پاكي از حيض، آيه فرمان مي‌دهد از آنجا كه خدا دستور داده در آييد يعني در همبستر شدن با زنها موازين شرعي را رعايت كنيد و تنها در فكر اطفاء شهوت نباشيد. در پايان مي‌فرمايد:
خداوند بسيار توبه كنندگان و پاكيزگان را دوست مي‌دارد. اشاره به اين كه اگر در اثر طغيان شهوت در حال حيض با زنان خود همبستر شديد و مرتكب اين معصيت شديد از اين عمل توبه كنيد و خود را از آلودگيهاي ظاهري و باطني پاك نماييد كه خدا توبه كنندگان و پاكان را دوست مي‌دارد. (3)

زيانهاي آميزشي در حال حيض

قاعدگي، همان خون است كه قرآن، آن را اذي (چيز آلوده يا زيان آور) معرفي كرده است و در حقيقت اين جمله، فلسفه حكم اجتناب از آميزش جنسي زنان را در حالت قاعدگي كه در جمله بعد آمده است بيان مي‌كند، زيرا آميزش در چنين حالتي، علاوه بر اين كه تنفرآور است، زيانهاي بسياري به بار مي‌آورد كه طب امروز نيز آن را اثبات كرده، از جمله احتمال عقيم شدن مرد و زن و ايجاد يك محيط مساعد براي پرورش ميكرب بيماريهاي آميزشي (مانند سفليس و سوزاك) و نيز التهاب اعضاء تناسلي زن و وارد شدن خون آلوده به داخل عضو تناسلي مرد و غير اينها كه در كتب طب آمده است، لذا پزشكان، آميزش جنسي با چنين زناني را ممنوع اعلام مي‌كنند (4)

سندرم پيش از قاعدگي مشكلي كه جدي گرفته نمي‌شود
مسائل بهداشتي زنان ارتباط تنگاتنگي با سلامت و احساس آرامش در خانواده و به تبع آن در جامعه دارد. سيكل ماهانه يكي از مسائل مهم زنان در دوران باروريست كه روحيات و مسائل بهداشتي آنها به شدت به آن وابسته است.
زنان در طول باروري خود حدود 420 سيكل ماهانه را تجربه مي‌كنند.
از هر 3 زن 2 نفر قبل از شروع عادت ماهانه دچار مشكلات جسمي و روحي مي‌شوند كه در فعاليت‌هاي اجتماعي آنها وقفه ايجاد مي‌كند.
بيش از 200 علامت براي اين سندرم شناخته شده است كه از جمله اين علايم مي‌توان به سر درد، كمردرد، ورم، آكنه، بدگماني، خشونت، زودرنجي، كاهش اعتماد به نفس و حتي در موارد شديد اقدام به خودكشي را نام برد. نتايج مطالعات انجام گرفته در ايران نشان مي‌دهد كاهش كارايي و لذت نبردن از فعاليت‌هاي اجتماعي از جمله عواملي هستند كه بيشترين تداخل را با عملكرد فردي - اجتماعي ايجاد مي‌كنند.
اين در حاليست كه بسياري از بانوان در كشور ما اين سندرم را طبيعي مي‌دانند. اگر شما نيز مبتلا به PMS هستيد دانستن اين موضوع كه بسياري از زنان مانند شما به اين اختلال مبتلا هستند و مشكل يك نقص به شمار نمي‌رود مي‌تواند شما را اميدوارتر كند.
هنوز علت اين مشكل به درستي مشخص نيست اما بر هم خوردن تعادل بين هورمون‌هاي جنسي زنانه و كمبود برخي مواد مغذي از جمله دلايلي هستند كه تاكنون شناخته شده‌اند.
دكتر معصومه خيرخواه عضو هيأت علمي دانشگاه علوم پزشكي ايران، در گفتگو با خبرنگار بهداشت و درمان ايسنا برخورداري از برنامه ورزشي مناسب، رژيم غذايي كم نمك و كم كافئين، استفاده از تركيبات گياهان دارويي مانند گل پامچال، رزماري، ملاس و تخم كتان، دريافت مكمل‌هاي حاوي ويتامين B6 و E را در بهبود علائم آزاردهنده سندرم پيش از قاعدگي مؤثر دانسته و مي‌گويد:
ترجيحاً افراد مبتلا به اين نوع علائم بهتر است به منظور رد ساير بيماري‌هايي كه داراي علائم مشابه هستند با پزشك خود مشاوره كنند.
(مجله عصر پزشكي / ص 6)

تجربه اي براي هر ماه (اولين خون ريزي ماهانه)

اولين خون ريزي ماهانه، آغاز دوره جديدي از زندگي يك دختر نوجوان است.
آنچه در ظاهر رخ مي‌دهد، نمايانگر دنيايي از تحولات در درون بدن اوست. در دوران جنيني يك جفت تخمدان با تعداد معيني فوليكول (كيسه‌هايي كه تخمك در آنها توليد مي‌شود) در بدن جنين تشكيل مي‌شود. تعداد اين فوليكول‌ها در دوران پس از تولد ثابت است و در هر سيكل ماهانه يك يا چند تا از اين فوليكول‌ها آزاد و براي بارور شدن آماده مي‌شوند. درون فوليكول‌ها سلول‌هاي اووسيت قرار دارند كه تخمك‌هاي يك زن را تشكيل مي‌دهند. در روز اول هر سيكل 28 روزه با تخريب ديواره داخلي رحم و عروق خوني، خونريزي آغاز و از ضخامت اين لايه كاسته مي‌شود. اين كاهش ضخامت تا حوالي روز دهم ادامه دارد و سپس به تدريج ضخامت ديواره افزايش مي‌يابد. پروژسترون هورموني است كه كاهش آن در انتهاي هر دوره، تخريب ديواره رحم و خونريزي مجدد را سبب مي‌شود. هورمون استروژن نيز با افزايش ناگهاني در ميانه دوره ماهانه، موجب افزايش ميزان هورمون لوتئيني كننده (LH) مي‌شود. به واسطه اين هورمون و افزايش پروژسترون، ديواره رحم به بالاترين حد رشد خود مي‌رسد و اگر در اين دوران تخمك با اسپرم لقاح پيدا كند، اين ديواره با عروق خوني فراواني كه پيدا كرده است جايگاه مناسبي براي پذيرش جنين و تغذيه آن خواهد بود.
در غير اين صورت تغييرات هورموني موجب تخريب ديواره رحم و آغاز مجدد دوره مي‌شود. (مجله عصر پزشكي / ص 6)

منشأ پيدايش رگل

منشأ پيدايش خون حيض، مربوط به احتقان و پر خون شدن عروق رحم، سپس پوسته پوسته شدن مخاط آن و جريان خونهاي موجود است، ترشح خون مزبور، ابتداء نامنظم و بي‌رنگ است، ولي به زودي سرخ رنگ و منظم مي‌شود و در اواخر كار بار ديگر كم رنگ و نامرتب مي‌گردد.
اصولا خوني كه هنگام عادت ماهيانه دفع مي‌شود، خوني است كه هر ماه در عروق داخلي رحم، براي تغذيه جنين احتمالي جمع مي‌گردد، زيرا مي‌دانيم رحم زن در هر ماه توليد يك تخمك مي‌كند و مقارن آن عروق داخلي رحم به عنوان آماده باش براي تغذيه نطفه مملو از خون مي‌شود، اگر در اين موقع كه تخمك وارد رحم مي‌شود، اسپرم كه نطفه‌ي مرد است در آنجا موجود باشد، تشكيل نطفه و جنين مي‌دهد و خونهاي موجود در عروق رحم صرف تغذيه آن مي‌شود، در غير اين صورت، بر اثر پوسته پوسته شدن مخاط رحم و شكافتن جدار رگها، خون موجود خارج مي‌شود و اين همان خون حيض است و از اينجا دليل ديگري براي ممنوع بودن آميزش جنسي در اين حال به دست مي‌آيد، زيرا رحم زن در موقع تخليه اين خونها هيچ گونه آمادگي طبيعي براي پذيرش نطفه ندارد و لذا از آن صدمه مي‌بيند.

اقوام پيشين در مورد زنان در عادت ماهيانه عقائد مختلفي داشتند:
يهود فوق العاده سخت گيري مي‌كردند و در اين ايام به كلي از زنان در همه چيز جدا مي‌شدند، در خوردن و آشاميدن و مجلس و بستر و در تورات كنوني احكام شديدي در اين باره ديده مي‌شود.
و به عكس آنها مسيحيان هيچ گونه محدوديت و ممنوعيتي براي خود، در برخورد با زنان، در اين ايام قائل نبودند و اما بت پرستان عرب، دستور و سنت خاصي نزد آنها در اين زمينه يافت نمي‌شد، ولي ساكنان مدينه و اطراف آن، بعضي از آداب يهود را در اين زمينه اقتباس كرده بودند و در معاشرت با زنان در حال حيض، سختگيريهايي داشتند، در حالي كه ساير عرب چنين نبودند و حتي شايد آميزش جنسي را در اين حال جالب مي‌دانستند و معتقد بودند اگر فرزندي نصيب آنها شود بسيار خونريز خواهد بود و اين از صفات بارز و مطلوب، نزد اعراب باديه نشين خونريز بود.
ذكر طهارت و توبه در كنار يكديگر در آيات فوق ممكن است اشاره به اين باشد كه طهارت، مربوط به پاكيزگي ظاهر و توبه اشاره به پاكيزگي باطن است.
اين احتمال نيز وجود دارد كه طهارت در اينجا به معني آلوده نشدن به گناه بوده باشد يعني خداوند، هم كساني را كه آلوده به گناه نشده‌اند دوست دارد و هم كساني كه بعد از آلودگي توبه كنند و در زمره پاكان در آيند.
ضمنا اشاره به مسأله توبه در اينجا ممكن است ناظر به اين باشد كه بعضي بر اثر فشار غريزه جنسي نمي‌توانستند خويشتن داري كنند و بر خلاف امر خدا به گناه آلوده مي‌شدند، سپس از عمل خود نادم شده و ناراحت مي‌گشتند، براي اين كه راه بازگشت را به روي خود بسته نبينند و از رحمت حق مايوس نشوند، طريق توبه را به آنها نشان مي‌دهد. (5)
زنان در هر ماه به مدت حد اقل سه روز و حد اكثر ده روز قاعده مي‌شوند و آن عبارت از خوني است كه با اوصاف خاصي كه در كتب فقه آمده از رحم زن خارج مي‌گردد، زن را در چنين حال حائض و آن خون را خون حيض مي‌گويند، آيين كنوني يهود و نصارا احكام ضد يكديگر در مورد آميزش مردان با چنين زناني دارند كه براي هر كس حالت استفهام ايجاد مي‌نمايد
جمعي از يهود مي‌گويند معاشرت مردان با اين گونه زنان مطلقا حرام است هر چند كه به صورت غذا خوردن سر يك سفره و يا زندگي در يك اتاق باشد مثلاً مي‌گويند جايي كه زن حائض بنشيند مرد نبايد بنشيند، اگر نشست بايد لباس خود را بشويد و الا نجس است و نيز اگر در رختخواب او

بخوابد لباس و بدن را بايد شستشو دهد، به طور خلاصه زن را در اين مدت يك موجود ناپاك و لازم الاجتناب مي‌دانند.

در مقابل اين گروه نصارا هستند كه مي‌گويند:

هيچ گونه فرقي ميان حالت حيض زنان و غير حيض نيست، همه گونه معاشرت حتي آميزش جنسي با آنان بي‌مانع است!

مشركين عرب به خصوص آنها كه در مدينه زندگي مي‌كردند، كم و بيش به خلق و خوي يهود انس گرفته بودند و با زنان حائض مانند يهود رفتار مي‌كردند و در زمان عادت ماهيانه از آنها جدا مي‌شدند، همين اختلاف در آيين و افراط و تفريطهاي غير قابل گذشت سبب شد كه بعضي از مسلمانان از پيغمبر اكرم صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم در اين باره سؤال كنند، در پاسخ آنان اين آيه نازل شد.

روايات پيرامون قاعدگي (رگل، حيض)

علت پيدايش حيض در زنان

حضرت ابوجعفر عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:
دختران پيامبران صلوات الله عليهم اجمعين حيض نمي‌بينند، زيرا حيض عفونت و مؤاخذه مي‌باشد و اولين زني كه حيض ديد ساره مي‌باشد (6)

حضرت زهرا سلام الله عليها خون حيض نمي‌ديد

از حضرت علي عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده كه فرمود:
از حضرت رسول سؤال شد كه بتول چيست؟
ما از شما اي رسول خدا شنيديم كه فرموده‌ايد:
مريم بتول است و فاطمه بتول است.
حضرت پاسخ داد:
بتول به آن زني گفته مي‌شود كه هيچ گاه خوني نبيند، يعني حيض نشود زيرا حيض شدن در دختران پيامبر مكروه و ناپسند است (7)
حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَام از پدران بزرگوارش نقل مي‌فرمايد:
فاطمه دختر پيامبر اكرم صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم از آن جهت «طاهره» ناميده شد كه از هر پليدي و ناپاكي بر كنار و از هر آلودگي پاك بود.
او هيچ گاه خون حيض و نفاس نديد. (8)

نظر صدر المتالهين و علامه شعراني

درباره‌ي علت اين ويژگي و كيفيت آن چنين مي‌توان گفت:
خداوند در عالم طبيعت سنّتّها و قوانيني بر طبق نظام علّي، علت و معلولي و اسباب و شرايطي دارد، همان گونه كه حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است:
«أَبَي اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْ ءٍ سَبَباً»
خداوند از اين كه كارها از غير طريق اسباب اجرا شود، اباء و امتناع داد و براي هر چيزي سببي قرار داده است.
صدرالمتالهين گويد:
اين مسأله‌اي مهم است كه مهمتر از آن وجود ندارد، زيرا مسأله عليت اساس و پايه‌ي تمامي علوم است و علم توحيد، خداشناسي، معاد، رسالت، امامت، روانشناسي و ديگر علوم قبل و بعد از آن، علم تهذيب اخلاق و علوم سياسي و ديگر علوم، مبتني بر اين اساس است و با انكار اين اصل و ممكن دانستن اراده‌ي جزاف - چنان كه بيشتر اهل سنت بدان معتقدند - تمامي پايه‌هاي علم و يقين منهدم مي‌شود. (9)
علامه شعراني در توضيح اين گفتار ملاصدرا چنين گويد:
اگر عليت از بين برود طبيب علت بيماري مريض را نمي‌داند، راه درمان او را تشخيص نخواهد داد و پزشكي به كلي از بين مي‌رود، كشاورز نخواهد دانست كه آبياري و تابش خورشيد علت رويش گياهان است و امر كشاورزي باطل و بيهوده مي‌گردد و ديگر نمي‌داند كه چه بايد بكند، صنعتگران نمي‌دانند كه آيا ذوب شدن فلزات بر اثر حرارت است يا علتي ديگر دارد و خواه و ناخواه امور صنعت از بين مي‌رود و همچنين علم دين، زيرا هيچ كس نمي‌داند كه نماز و زكات و ديگر دستورات ديني اسباب و عوامل سعادت اخروي مي‌باشند و نمي‌داند كه علت ارسال پيامبران و تعيين امامان و ديگر مسائل اعتقادي لطف پروردگار است ... (10)
بنا بر اين، لازم است براي هر رويداد مادي علت و عاملي باشد، همانطور كه در هر جا آتش سوزي ببينيم، بدون شك و ترديد حكم مي‌كنيم كه آتشي و يا اصطكاكي و يا عاملي وجود داشته است.
همچنين مي‌دانيم كه زاد و ولد، به جز راه انتقال نطفه‌ي مرد به رحم زن (از جمله تلقيح نطفه‌ي مرد و زن در خارج رحم به صورت مصنوعي) و سير تكاملي آن تا وقتي كه به صورت جنيني در آيد، ممكن نيست و مي‌بايست زوج و زوجه‌ي جوان داراي اعتدال مزاج باشند، شوهر پيرمردي فرتوت و زن نيز پيرزني از كارافتاده نباشد كه از فرط زمين گير شده باشد و يا اين كه يائسه و نازا باشد و همچنين ديگر شرائط لازمه ...

آري نظام عليت و معلوليت، سببيت و مسببيت قانوني فراگير در تمامي ممكنات است، اما نه بدان گونه كه دست قانونگذار را بسته باشد و از دخالت و تصرف در ملك خويش به گونه‌اي ديگر بازش داشته باشد، چنانكه قرآن مجيد در پاسخ به قوم يهود مي‌گويد: بلكه دسته‌اي خداوند متعال باز و گشوده است و به هر گونه كه بخواهد دخالت كرده اشياء را دگرگون مي‌سازد و همان قانون عام و فراگير، تحت قدرت قاهره و اراده‌ي مسلط او خاضع و سرسپرده است، چنانكه اين مطلب از فرمايش مولايمان حضرت علي بن الحسين عليهما السلام استفاده مي‌شود و در آنجا كه فرمود:

«ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصِّعَابُ وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ » (11)

يا اين كه در برخي از دعاهاي ديگر آمده است:

«يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ مِنْ غَيْرِ سَبَب»

و همچنين در قرآن مجيد داستانها و حكايات و رويدادهايي نقل شده كه بر طبق جريان عادي و مشهور طبيعت و بر طبق نظام علت و معلولي نيست، مانند حامله شدن حضرت مريم سلام الله عليها در حالي كه دست هيچ انساني به او نرسيده بود و يا همانند حامله شدن ساره به اسحاق عَلَيْهِ السَّلَام زماني كه پير و از كار افتاده بود و يا باردار شدن زن زكريا عَلَيْهِ السَّلَام به يحيي عَلَيْهِ السَّلَام با اين كه يائسه شده بود و نمونه‌هايي ديگر از اين قبيل معجزات و خوارق عادات كه قرآن مجيد براي عده‌اي از پيامبران بزرگ اثبات مي‌كند، مانند معجزات حضرت نوح، هود، صالح، ابراهيم، لوط، داوود، سليمان، موسي و عيسي و حضرت محمد صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم، كه همه آنها امور خارق‌العاده و بر خلاف جريان معمولي طبيعت بودند. (12)

با توجه به اين گفتار براي خوانندگان گرامي بطلان اين سخن ثابت مي‌شود كه گفته‌اند:

حيض در زنان از لوازم خلقت است و نبود آن در يك زن نقصاني در خلقت او به شمار مي‌آيد و عادت ماهانه نشانه و سببي است براي زايمان و باردار بودن، زيرا مي‌گوييم:

خروج از تنگاهاي طبيعت نقص شمرده نمي‌شود، بلكه چه بسا خود كرامتي محسوب شود. به علاوه، خون حيض خود نوعي آلودگي و نجاست است و خداوند آن را موجب آزار و اذيت دانسته چنانكه مي‌فرمايد:

«قُلْ هُوَ أذي» (13) كه ناپاكي و آلودگي آن موجب آزار است، زيرا زنان به هنگام بروز عادت ماهانه دچار خجالت و سرافكندگي مي‌شوند و خوششان نمي‌آيد كه به همه كس، هر چند نزديكترين افراد فاميل باشد، گفته شود. گاهي هم ضعف و سستي در آنها به وجود مي‌آيد و به همين جهت در اين ايام نماز و روزه از آنها ساقط مي‌شود و ايستادن و توقف در مساجد بر

آنها حرام مي‌گردد و ديگر احكامي كه در كتب فقهي ذكر شده، تا جايي كه گفته شده در آن دوران از ايمانشان كاسته شده و «ناقصه الايمان» مي‌شوند، چنانكه حضرت علي عَلَيْهِ السَّلَام اين مطلب را فرموده‌اند:
«نقصان ايمان آنان به خاطر رفع تكليف نماز و روزه در ايام عادت ماهانه‌شان مي‌باشد» (14)
بنا بر اين، خداوند متعال بر بانوي جهان حضرت فاطمه سلام الله عليها تفضل كرده و او را كرامت بخشيده است كه بتواند بدون ديدن خون حيض مبتلا شدن به عادت ماهانه به طور كامل و صحيح زايمان كند و اين خود فضيلتي والا و پاكي فوق العاده‌اي در ذات پاك آن حضرت كه سلام و درود خداوند بر او باد بوده است و خود نشان از آن دارد كه خداوند متعال راضي نشده است كه آن حضرت، كه بانوي زنان جهان از اولين و آخرين است، به اين پليدي و يا ديگر ناپاكيهاي ظاهري و باطني آلوده باشد، همان گونه كه درباره‌ي آن حضرت فرمود:
«إِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرا» (15)
و از حضرت رسول صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم نقل شده است كه به عايشه فرمود:
اي حميرا، فاطمه مانند ديگر زنان آدميزاد نيست. او مانند ديگران معلول و بيمار نمي‌شود. (16)
روايات درباره‌ي حضرت زهرا سلام الله عليها كه خون حيض و نفاس نمي‌ديدند بسيار است ما به همين‌ها بسنده مي‌نماييم).
كساني كه خواهان تفصيل بيشتري در اين مورد هستند مي‌توانند به كتاب «الامام علي بن ابي طالب»، اثر آيت الله شيخ احمد رحماني همداني در بحث آيه‌ي تطهير مراجعه كنند.

حيض نجاست و پليدي در زنهاست

حضرت ابوجعفر محمد بن علي عليهما السلام فرمودند:
حيض نجاست و پليديست كه حق تعالي در زنان قرار داده، سپس فرمودند:
در زمان حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام زنان در هر سال يك بار حيض مي‌ديدند تا اين كه جماعتي از زنان كه تعدادشان هفتصد نفر بود از حجاب بيرون آمدند و رها و آزاد گشته، لباسهاي سرخ پوشيده و خود را زينت كرده و معطر ساختند و سپس در بلاد و شهرها پراكنده شدند، با مردان همنشين شده و در اعياد با آنها همراه بوده و در صفوف آنها در آمده و كاملاً با مردان آميزش پيدا نمودند در چنين وقتي حق تعالي آنها را مبتلا ساخت به ديدن حيض در هر سال، خون حيض اين زنان از آنها جاري گشت لذا مجبور شدند كه از بين مردان خارج شوند، همان طوري كه ذكر شد ايشان در هر ماه يك بار حيض مي‌ديدند حضرت فرمودند:
خداوند تبارك و تعالي ايشان را مشغول به حيض و كثرت شهوتشان فرمود و ساير زنان كه عمل ايشان را انجام نداده بودند در هر سال يك بار حيض مي‌شدند، سپس حضرت فرمودند:
پسران آن زنان كه در هر ماه حيض مي‌شدند با دختران اين زنان كه سالي يك مرتبه به آن مبتلا مي‌گرديدند ازدواج نموده و بدين ترتيب بين طائفه امتزاج برقرار گرديد و دختراني كه از اين وصلت و ازدواج متولد شدند جملگي در هر ماه يك بار حيض مي‌ديدند باري فرزندان زناني كه در هر ماه يك بار حيض مي‌شدند زياد گرديدند و جهتش آن بود كه حيض آنها مستقيم و متعادل بود و در مقابل زناني كه در هر سال يك بار حائض مي‌شدند چون مبتلا به فساد خون بودند فرزندانشان كم بود و از اين رو نسل آن زنان زياد و نسل اينها اندك گرديد. (17)

سر اين كه جايز نيست زن حائض خضاب كند

ابوبكر حضرمي مي‌گويد از حضرت ابي عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام پرسيدم:
آيا زن حائض خضاب بكند؟
حضرت فرمودند:
خير زيرا از شيطان بر او خوف و هراس مي‌باشد (18)

سر اين كه زن حامل حيض نمي‌شود

حضرت ابي عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:
سلمان (رحمه الله عليه) از حضرت علي عَلَيْهِ السَّلَام راجع به روزي فرزند مادامي كه در شكم مادرش هست پرسيد؟
حضرت فرمودند:
خداوند تبارك و تعالي خون حيض را حبس كرد پس آن را رزق و روزي فرزند در شكم مادر قرار داد. (19)

سر اين كه جايز نيست جنب و حائض موقع تلقين ميت حاضر باشند

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:
زن حائض و شخص جنب هنگام تلقين ميت حاضر نشوند زيرا فرشتگان كه حضور دارند از اين دو آزار و اذيت مي‌شوند. (20)
اسماعيل جعفي گويد:
به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام عرض كردم:
مغيره گمان مي‌كند كه زن حائض همچنان كه روزه‌اش را قضا مي‌كند، نمازش را نيز بايد قضا نمايد؟
حضرت فرمود:
چه شده به او؟ خداي موفقش ننمايد، همانا زن عمران گفت:
«خدايا! آنچه در رحم دارم بر تو نذر كردم كه «محرّر» (و آزاد براي خدمت به خانه‌ي تو) باشد» و آنكه به مسجد نذر شده هرگز از آن خارج نمي‌شود، چون او مريم را زائيد.
گفت:
«خدايا من او را دختر آوردم ... و پسر همانند دختر نيست».
و چون زائيد او را به مسجد برد و چون به سن زنها رسيد و زن شد از مسجد بيرون برده شد، پس او چه وقت پيدا مي‌كرد تا نمازهايش را قضا نمايد و حال آن كه همه‌ي عمرش در مسجد بود؟ (21)

عذاب زني كه وقتي پاك شد غسل ننمايد

در ضمن حديث طولاني به هنگامي كه رسول خدا در شب معراج زناني را مشاهده فرمود كه به انواع عذابها گرفتار شده بودند، حضرت فاطمه سلام الله عليها عرض كرد:

اي حبيب من و اي نور چشم من مگر كار و رفتار اين زنها چه بود كه خداوند اين گونه عذابها را بر آنها مقرر داشت؟ رسول خدا فرمود:

... و آن كسي كه دست و پايش به هم بسته شده بود و مارها و عقربها بر او مسلط شده بودند، به خاطر آن بود كه جامه‌هايش چركين و وضو ساختنش با بدن نجس بود و از جنابت و حيض غسل نكرده و رعايت نظافت نمي‌نمود و نماز را سبك مي‌شمرد. (22)

روزي فرزند در شكم مادر

سلمان فارسي - رحمه الله عليه - از امير المؤمنين عليه السّلام پرسيد در باره‌ي روزي طفل در شكم مادرش، آن حضرت فرمود:
همانا خداي تبارك و تعالي خون حيض را حبس مي‌كند و آن را روزي او در شكم مادرش قرار مي‌دهد.
و زن آبستن هر گاه خون مشاهده كرد نماز را ترك مي‌كند چه بسا اتفاق مي‌افتد كه زن باردار خون دفع مي‌كند و آن زماني است كه خون بسيار و سرخ رنگ مي‌بيند و اگر خوني كه ديده كم و زرد رنگ باشد بايد نماز خود را بخواند و جز وضو چيز ديگري بر او واجب نيست و زن حائض هنگامي كه پاك شد قضاي روزه به گردن اوست ولي قضاي نماز بر او لازم نيست و در اين امر دو علّت وجود دارد يكي اين كه: مردم بدانند سنّت مورد قياس واقع نمي‌شود و ديگر اين كه: روزه تنها يك ماه در سال است ولي نماز در هر شبانه روز واجب است.
به اين جهت خداي عز و جل قضاي روزه را بر ايشان واجب ساخت و قضاي نماز را واجب نگردانيد.
و جايز نيست (كراهت شديد دارد) جنب و حائض به هنگام احتضار بر بالين محتضر حضور يابند زيرا فرشتگان با بودن آن دو مورد آزار واقع مي‌شوند.
و اشكالي ندارد كه غسل او را انجام دهند و بر او نماز بخوانند، ولي درون قبر او نروند، پس اگر به ناچار بر بالين او حاضر بودند هنگام خروج جان از بدنش از آنجا بيرون بروند. (23)

مجامعت در حال حیض

حضرت محمد صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:
هر كس با همسر خويش در حال حيض مجامعت نمايد و فرزندش با بيماري جذام يا برص و پيسي متولّد شود جز خود كسي را ملامت نكند. (24)

اشاره

حيض خوني است كه غالباً در هر ماه چند روزي از رحم زنها خارج مي‌شود و زن را در موقع ديدن خون حيض، حائض مي‌گويند.

مسأله 427:

خون حيض در بيشتر اوقات، غليظ و گرم و رنگ آن سرخ مايل به سياهي يا سرخ تيره است و با فشار و كمي سوزش بيرون مي‌آيد.

مسأله 428:

زنهاي سيّده بعد از تمام شدن شصت سال قمري يائسه مي‌شوند يعني خون حيض نمي‌بينند و زنهايي كه سيّده نيستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال قمري يائسه مي‌شوند.

مسأله 429:

خوني كه دختر پيش از تمام شدن نه سال قمري و زن بعد از يائسه شدن مي‌بيند حيض نيست.

مسأله 430:

زن حامله و زني كه بچه شير مي‌دهد، ممكن است حيض ببيند.

مسأله 431:

دختري كه نمي‌داند نه سالش تمام شده يا نه اگر خوني ببيند كه نشانه‌هاي حيض را نداشته باشد حيض نيست، بلكه حتي اگر نشانه‌هاي حيض را داشته باشد نمي‌شود گفت حيض است.

مسأله 432:

زني كه شك دارد يائسه شده يا نه، اگر خوني ببيند و نداند حيض است يا نه بايد بنا بگذارد كه يائسه نشده است.

مسأله 433:

مدت حيض کمتر از سه روز و بيشتر از ده روز نمي‌شود و اگر مختصري هم از سه روز کمتر باشد، حيض نيست.

مسأله 434:

باید سه روز اوّل حیض پشت سرهم باشد، پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند و یك روز پاك شود و دوباره یك روز خون ببیند حیض نیست.

مسأله 435:

لازم نيست در تمام سه روز خون بيرون بيايد، بلكه اگر در ابتدا، خون بيرون بيايد ولي بعداً در فرج خون باشد كافيست و چنانچه در بين سه روز مختصري پاك شود و مدت پاك شدن به قدري كم باشد كه بگويند در تمام سه روز در فرج خون بوده باز هم حيض است.

مسأله 436:

لازم نيست شب اول و شب چهارم را خون ببيند ولي بايد در شب دوم و سوم خون قطع نشود، پس اگر از طلوع آفتاب روز اول تا غروب روز سوم پشت سرهم خون بيايد، يا در وسطهاي روز اول شروع شود و در همان موقع از روز چهارم قطع شود و در شب دوم و سوم هم هيچ خون قطع نشود، حيض است.

مسأله 437:

اگر سه روز پشت سر هم خون ببيند و پاك شود، چنانچه دوباره خون ببيند و روزهايي كه خون ديده و در وسط پاك بوده روي هم از ده روز بيشتر نشود روزهايي هم كه در وسط پاك بوده حيض است.

مسأله 438:

اگر خوني ببيند كه از سه روز بيشتر و از ده روز كمتر باشد و نداند خون دمل است يا خون حيض، چنانچه نداند دمل در طرف چپ است يا طرف راست در صورتي كه ممكن باشد مقداري پنبه داخل كند و بيرون آورد پس اگر خون از طرف چپ بيرون آيد، خون حيض است و اگر از طرف راست بيرون آيد خون دمل است.

مسأله 439:

اگر خوني ببيند که از سه روز بيشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون حيض است يا زخم، اگر قبلاً حيض بوده حيض و اگر پاك بوده پاك قرار دهد و چنانچه نمي‌داند پاك بوده يا حيض همه چيزهايي را که بر حائض حرام است ترك کند و همه عبادتهايي که زن غير حائض انجام مي‌دهد به جا آورد.

مسأله 440:

اگر خوني ببيند و شك كند كه خون حيض است يا نفاس، چنانچه شرايط حيض را داشته باشد، بايد حيض قرار دهد.

مسأله 441:

اگر خوني ببيند و نداند خون حيض است يا بكارت، بايد خود را وارسي كند، يعني مقداري پنبه داخل فرج نمايد و كمي صبر كند بعد بيرون آورد پس اگر اطراف آن آلوده باشد، خون بكارت است و اگر به همه آن رسيده، حيض است.

مسأله 442:

اگر كمتر از سه روز خون ببيند و پاك شود و بعد از سه روز دوباره خون ببيند و سه روز ادامه داشته باشد خون دوّم حيض است و خون اوّل حيض نيست.

احکام حائض

مسأله 443:

چند چيز بر حائض حرام است:
اوّل:
عبادتهايي كه مانند نماز بايد با وضو يا غسل يا تيمم به جا آورده شود، ولي به جا آوردن عبادتهايي كه وضو و غسل و تيمم براي آنها لازم نيست، مانند نماز ميّت، مانعي ندارد.
دوّم:
تمام چيزهايي كه بر جنب حرام است و در احكام جنابت گفته شد.
سوّم:
جماع كردن در فرج، كه هم براي مرد حرام است و هم براي زن، اگر چه به مقدار ختنه‌گاه داخل شود و مني هم بيرون نيايد بلكه احتياط واجب آن است كه مقدار كمتر از ختنه‌گاه را هم داخل نكند و وطي كردن در دُبُر زن حائض، اگر راضي باشد، كراهت شديده دارد.

مسأله 444:

جماع کردن در روزهايي هم که حيض زن قطعي نيست ولي شرعاً بايد براي خود حيض قرار دهد حرام است.
پس زني که بيشتر از ده روز خون مي‌بيند و بايد به دستوري که بعداً گفته مي‌شود روزهاي عادت خويشان خود را حيض قرار دهد، شوهرش نمي‌تواند در آن روزها با او نزديکي نمايد.

مسأله 445:

اگر شماره روزهاي حيض زن به سه قسمت تقسيم شود و مرد در قسمت اوّل آن، با زن خود در قُبُل جماع كند، بنا بر احتياط واجب بايد هيجده نخود طلا كفّاره به فقير بدهد و اگر در قسمت دوّم جماع كند، نه نخود طلا و اگر در قسمت سوّم جماع كند، بايد چهار نخود و نيم بدهد. مثلاً زني كه شش روز خون حيض مي‌بيند، اگر شوهرش در شب يا روز اوّل و دوّم با او جماع كند بايد هيجده نخود طلا بدهد و در شب يا روز سوّم و چهارم نه نخود و در شب يا روز پنجم و ششم بايد چهار نخود و نيم بدهد.

مسأله 446:

وطي در دُبُر زن حائض، كفاره ندارد.

مسأله 447:

اگر قيمت طلا در وقتي كه جماع كرده با وقتي كه مي‌خواهد به فقير بدهد فرق كرده باشد، بايد قيمت وقتي را كه مي‌خواهد به فقير بدهد حساب كنيد.

مسأله 448:

اگر كسي هم در قسمت اول و هم در قسمت دوم و هم در قسمت سوّم حيض، با زن خود جماع كند، بايد هر سه كفاره را كه روي هم سي و يك نخود و نيم مي‌شود بدهد.

مسأله 449:

اگر انسان بعد از آن که در حال حیض جماع کرده و کفاره آن را داده دوباره جماع کند باز هم باید کفاره بدهد.

مسأله 450:

اگر با زن حائض چند مرتبه جماع كند و در بين آنها كفاره ندهد احتياط واجب آن است كه براي هر جماع يك كفاره بدهد.

مسأله 451:

اگر مرد در حال جماع بفهمد زن حائض شده، باید فوراً از او جدا شود و اگر جدا نشود بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

مسأله 452:

اگر مرد با زن حائض زنا كند يا با زن حائض نامحرمي به گمان اين كه عيال خود اوست جماع نمايد، احتياط واجب آن است كه كفاره بدهد.

مسأله 453:

كسي كه نمي‌تواند كفاره بدهد بنا بر احتياط بايد به اندازه سير شدن يك فقير گرسنه: صدقه بدهد و اگر نمي‌تواند استغفار كند و هر وقت توانست بايد كفاره را بدهد.

مسأله 454:

طلاق دادن زن در حال حيض، به طوري كه در كتاب طلاق گفته مي‌شود باطل است.

مسأله 455:

اگر زن بگوید:
حائضم یا از حیض پاك شده‌ام، باید حرف او را قبول كرد.

مسأله 456:

اگر زن در بین نماز حائض شود، نماز او باطل است.

مسأله 457:

اگر زن در بين نماز شك كند كه حائض شده يا نه، نماز او صحيح است ولي اگر بعد از نماز بفهمد كه در بين نماز حائض شده نمازي كه خوانده باطل است.

مسأله 458:

بعد از آن که زن از خون حیض پاك شد، واجب است براي نماز و عبادتهاي ديگري که بايد با وضو يا غسل يا تيمم به جا آورده شود، غسل کند و دستور آن مثل غسل جنابت است ولي براي نماز پيش از غسل يا بعد از آن بهتر است وضو هم بگيرد و اگر پيش از غسل وضو بگيرد افضل است.

مسأله 459:

بعد از آن که زن از خون حيض، پاك شد، اگر چه غسل نكرده باشد، طلاق او صحيح است و شوهرش هم مي‌تواند با او جماع كند، ولي احتياط مستحب آن است كه پيش از غسل از جماع با او خود داري نمايد. اما كارهاي ديگري كه در وقت حيض بر او حرام بوده مانند توقف در مسجد و مس خط قرآن، تا غسل نكند بر او حلال نمي‌شود.

مسأله 460:

اگر آب براي غسل كافي نباشد ولي به اندازه‌اي باشد كه بتواند وضو بگيرد، بايد وضو بگيرد و عوض غسل تيمم نمايد و اگر به اندازه هيچ يك از آنها آب ندارد، بايد دو تيمّم كند، يكي بدل از غسل و ديگري بدل از وضو.

مسأله 461:

نمازهاي يوميه‌اي كه زن در حال حيض نخوانده قضا ندارد. ولي روزه‌هاي واجب را بايد قضا نمايد.

مسأله 462:

هرگاه وقت نماز داخل شود و بداند كه اگر نماز را تأخير بيندازد حائض مي‌شود بايد فوراً نماز بخواند.

مسأله 463:

اگر زن نماز را تأخير بيندازد و از اوّل وقت به اندازه انجام واجبات يك نماز بگذرد و حائض شود، قضاي آن نماز بر او واجب است، ولي در تند خواندن و كند خواندن و چيزهاي ديگر بايد ملاحظه حال خود را بكند؛ مثلاً زني كه مسافر نيست اگر اول ظهر نماز نخواند، قضاي آن در صورتي واجب مي‌شود كه به مقدار خواندن چهار ركعت نماز به دستوري كه گفته شد از اوّل ظهر بگذرد و حائض شود و براي زني كه مسافر است گذشتن وقت به مقدار خواندن دو ركعت كافيست و نيز بايد ملاحظه تهيه شرايطي را كه دارا نيست بنمايد. پس اگر به مقدار فراهم آوردن آن مقدمات و خواندن يك نماز بگذرد و حائض شود قضا واجب است وگرنه واجب نيست.

مسأله 464:

اگر زن در آخر وقت نماز از خون پاك شود و به اندازه غسل و وضو و مقدمات ديگر نماز مانند تهيّه كردن لباس يا آب كشيدن آن و خواندن يك ركعت نماز يا بيشتر از يك ركعت وقت داشته باشد، بايد نماز را بخواند و اگر نخواند بايد قضاي آن را به جا آورد.

مسأله 465:

اگر زن حائض به اندازه غسل وقت ندارد ولي مي‌تواند با تيمم نماز را در وقت بخواند آن نماز بر او واجب نيست، اما اگر گذشته از تنگي وقت تكليفش تيمم است مثل آن كه آب برايش ضرر دارد، بايد تيمم كند و آن نماز را بخواند.

مسأله 466:

اگر زن حائض بعد از پاك شدن شك كند كه براي نماز وقت دارد يا نه، بايد نمازش را بخواند.

مسأله 467:

اگر به خيال اين كه به اندازه تهيه مقدمات نماز و خواندن يك ركعت وقت ندارد نماز نخواند و بعد بفهمد وقت داشته، بايد قضاي آن نماز را به جا آورد.

مسأله 468:

مستحب است زن حائض در وقت نماز، خود را از خون پاك نمايد و پنبه و دستمال را عوض كند و وضو بگيرد و اگر نمي‌تواند وضو بگيرد تيمم نمايد و در جاي نماز رو به قبله بنشيند و مشغول ذكر و دعا و صلوات شود.

مسأله 469:

خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جايي از بدن به حاشيه و مابين خطهاي قرآن و نيز خضاب كردن به حنا و مانند آن براي حائض مكروه است.
(25)

پي‌نوشتها:

(1) - بقره / 222.
(2) - تفسير الميزان.
(3) - تفسير كوثر / ج 1 / ص 524 - 525.
(4) - تفسير نمونه / ج 2 / ص 138.
(5) - تفسير نمونه / ج 2 / ص 143 و 144.
(6) - علل الشرايع / ج 1 / باب 215 / ص 913.
(7) - فاطمه شادماني دل پيامبر / فاطمه الزهرا بهجة قلب المصطفي / ص 229.
(8) - همان / ص 229.
(9) مقصود اشاعره هستند كه عليت را انكار و ترجيح بلامرجح را جايز دانسته‌اند.
(10) - به حاشيه‌ي شرح مولي صالح مازندراني (ره) بر اصول كافي / ج 5 / ص 168 مراجعه كنيد.
(11) - صحيفه‌ي سجاديه، دعاي هفتم:
سختي در مقابل قدرت تو رام و مطيع گشته و اسباب و علل به لطف تو سبب شده‌اند.
(12) - مخفي نماند كه معجزه از نظام علت بيرون نيست، بلكه خود داراي علل و اسبابيست كه براي ما تازگي دارد و از قبل شناخته شده نيست. معجزه خارق عادت است نه خارق علل و اسباب.
(13) - بقره / 222.
(14) - نهج البلاغه / خطبه‌ي 78.
(15) - احزاب / 33.
(16) - بحارالانوار / ج 43 / ص 16
(17) - علل الشرايع / ج 1 / باب 215 / ص 915، من لا يحضر الفقيه / ج 1 / ص 119.
(18) - علل الشرايع / ج 1 / باب 218 / ص 919.
(19) - علل الشرايع / ج 1 / باب 219 / ص 919.
(20) - علل الشرايع / ج 1 / باب 236 / ص 939.
(21) - پرسشهاي مردم و پاسخهاي امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام / ص 516.
(22) - فاطمه زهرا شادماني قلب پيامبر صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم / ص 434.
(23) - من لا يحضره الفقيه - ترجمه؛ ج 1، ص: 123 - 124.

(24) - من لا يحضره الفقيه - ترجمه؛ ج 5، ص: 39.
(25) - توضيح المسائل آيت الله العظمي فاضل لنكراني (ره)

منابع و مآخذ

1 - تفسير كوثر / يعقوب جعفري / انتشارات هجرت / چاپ اول / بهار 1386.
2 - تفسير الميزان / علامه طباطبايي
3 - تفسير نمونه / ناصر مكارم شيرازي / انتشارات دارالكتب الاسلاميه / چاپ سي و هفتم / سال 1382.
4 - علل الشرايع / شيخ صدوق، مترجم:
سيد محمد جواد ذهني تهراني / انتشارات مؤمنين / چاپ دوم / 1381.
5 - فاطمه الزهرا بهجة قلب المصطفي / احمد رحماني همداني، مترجم:
دكتر سيد حسن افتخارزاده / چاپ چهارم، بهار 1381.
6 - مسائل عصر جديد / سيد مهدي غضنفري / ناشر مؤلف، چاپ اول، 1372.
7 - پرسشهاي مردم و پاسخهاي امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام / احمد قاضي زاهدي، مترجم:
محمد حسين رحيميان / نشر حاذق / چاپ اول / بهمن 1381.
8 - توضيح المسائل / آيت الله فاضل لنكراني (ره).
9 - مجله عصر پزشكي / ارديبهشت ماه سال 1390.

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رايانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران (0311)2333045
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : -IR90-0180-0000-0000-0621-0609 53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».